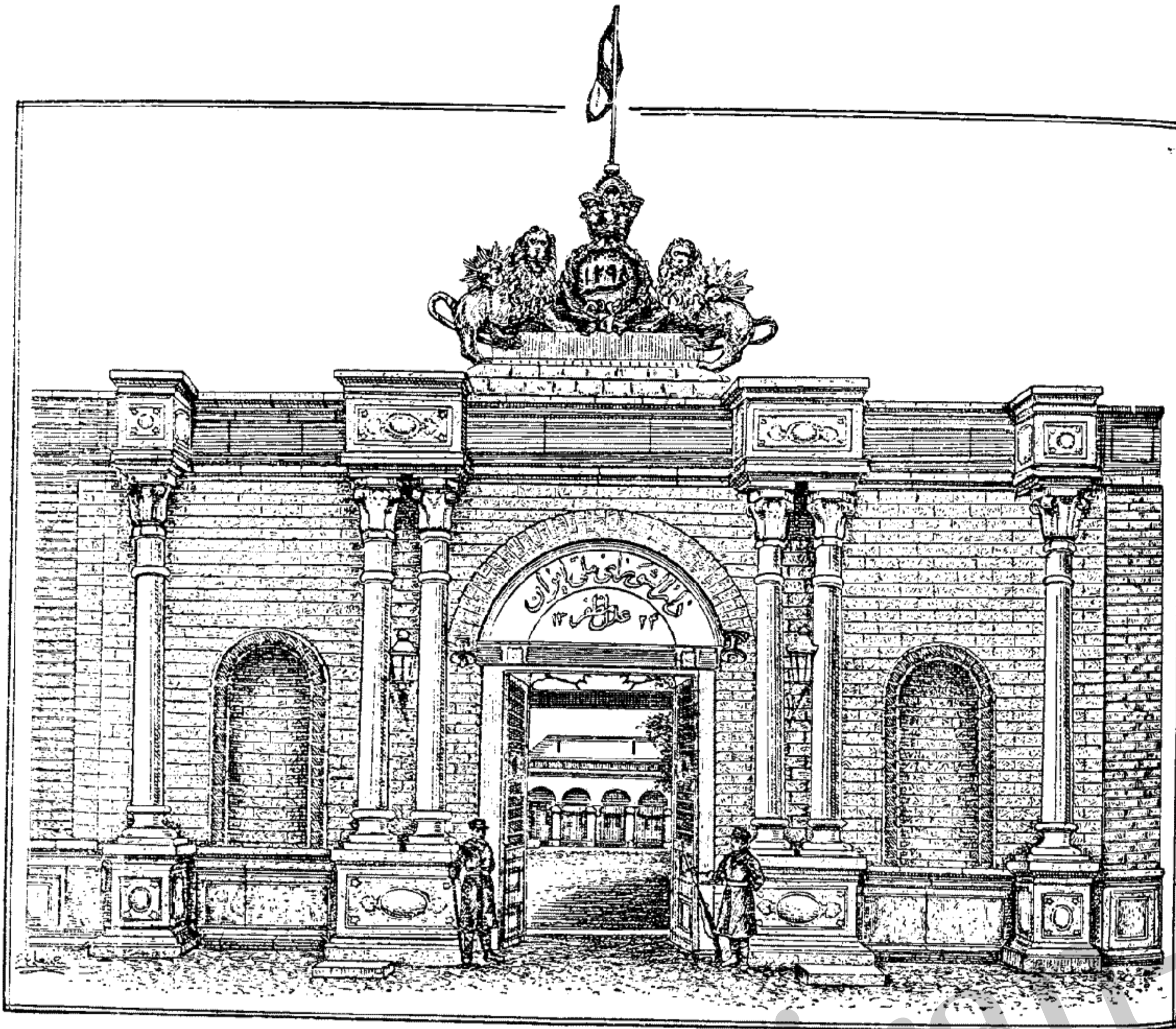


<p>جلسه ۴۶</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره دوازدهم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۶ دماه ۱۳۰۵ مطابق ۲۲ جادی الثاني ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقدینیه

صورت مشروح مجلس مورخه سه شنبه ۶ دیماه ۱۳۰۵ مطابق ۲۲ جمادی الثانیه ۱۳۴۵

جلسه ۴۶

(مجلس دو ساعت و یکربع قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید.)
 صورت مجلس پنجشنبه اول دیماه را آقای آقاسید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند.
 رئیس - آقای آقاسید یعقوب
 آقاسید یعقوب - در آن دو پیشنهاد که آروز رأی گرفته نشد بنده برای اینکته سابقه نشود خواستم عرض

عنوان	از صفحه	الی صفحه	نمره
شور و مذاکره نسبت به خبر شعبه دوم راجع به نمایندگی آقای حاج میرزا مرتضی	۲۱۹	۲۲۱	۱

کنم که پیشنهاد هائیکه راجع بآن چیزی که مطرح است میشود اگر مخالف نظامنامه نباشد باید در آنها رأی گرفته شود و در این دو پیشنهاد رأی گرفته نشد. بنده عرض میکنم برای اینکه سابقه نشود که پیشنهادی که شد و مخالف با نظامنامه نیست باین سابقه رد شود خوبست توضیح داده شود یا ترتیبی واقع شود که بعد این مسئله سابقه نشود.

رئیس -- اگر مقصود آن دو پیشنهاد است صحیح همانطور بوده است که عمل شده زیرا پیشنهاد هائی که در آن ها رأی گرفته میشده است بایستی راجع عواد معلومه باشد.

نسبت بصورت مجلس ایرادی نیست.
(اظهاری نشد)

رئیس -- صورت مجلس تصویب شد

رئیس -- خبر شعبه دوم راجع بنمایندهای آقای حاج میرزا مرتضی مطرح است. آقای یاسائی مخالف بودند یاسائی - بنده قبلاً خدا را گواه میگیم که در این مخالفت هیچ نظریه خصوصی با آقای حاج میرزا مرتضی ندارم. خودشان بهتر میدانند هیچوقت تماس واصطکاک بین بنده و ایشان نبوده و نیست و نظریه سیاسی هم در کار نیست امیدوارم آقایان محترم هم هیچ نظر حب و بغضی و قضاوتی که راجع با انتخابات ایشان میخواهند بکنند بکار نبرند. همچو مغلای بطبع در پیشگاه عدل الهی بخیمال اینکه داریم ادای وظیفه می کنیم در این قضیه قضاوت بکنیم

انتخابات کرمان شروع شده است مثل انتخابات سایر نقاط در یک قسمت های از آنها که شهر و حومه شهر باشد مورد اعتراض و شکایت نبوده. در نتیجه استخراج آراء آن قسمتها آقای مؤید الاسلام و آقای درگاهی هر کدام دارای هشت هزار و خورده ای رأی بوده اند آقای حاج میرزا مرتضی و آقای آقا میرزا عبدالحسین هم هر کدام دارای چهار

قانون است. صریحاً وزارت داخله بوالی کرمان اینطور تلگراف کرده مطابق ظاهر قانون و نظارتی که وزارت داخله حق داشته و اعمال کرده است در این مورد آقای مظفری حق شرکت در انتخابات کرمان را بطوریکه عضو انجمن نظارت باشد نداشته اند و مداخله ایشان با قانون انتخابات چندان مطابقت نمیکند. عضو دیگر انجمن نظارت مرکزی آقای میرزا حسنخان ابراهیمی (مختار الملک) بوده اند که حالا نمابنده هم و نماشیر هستند ایشان مطابق تلگرافاتی که اینجا موجود است مرتباً بوزارت داخله و ایات نوشته اند و مخبره کرده اند که انتخابات خبیص - تکاب - سیرج - گوک اعتبار ندارند و باید تجدید شود و در موقعی هم که نایب رئیس انجمن اعلان ختم انتخابات را داده است ایشان اعلان کرده اند که انتخابات خاتم پیدا نکرده و انتخابات آنجاها می باید تجدید و تمام شود. مطابق اصول قضائی هر قاضی که قبل از حکمش اظهار عقیده کرده باشد حکمش اعتبار ندارند یعنی قبل از آنکه رسیدگی و دقت بکنند اگر قاضی حکم بدهد حکمش اعتبار ندارد و آن قاضی جزو قضاة مردود میباشد. مختار الملک در تمام مکاتبات و مخبرات گفته است که انتخابات آن نقاط باطل است و باید تجدید شود بعد نمیدانم در تحت چه نائبری که گویا مربوط با انتخابات هم بوده است اعتبار نامه آقایان را امضا کرده اند در هر حال امضای ایشان درین اعتبارنامه مطابق اصول قضائی اعتبار ندارد برای اینکه اینها قاضی اولی بوده اند و قاضی ثانی و ثالث ما هستیم و در هر صورت چون ایشان قبل از رسیدگی اظهار عقیده کرده اند قضاوتشان اعتباری ندارد برای اینکه ایشان صریحاً گفته اند که این انتخابات باید تجدید شود نمیدانم بچه مناسبت بعد اعتبار نامه را امضا کرده اند. عضو سوم انجمن نظارت خود آقای حاجی میرزا مرتضی هستند مسلم است در مورد اختلاف و مشاجره و مباحثه بین اعضاء انجمن مرکزی رای ایشان از نقطه نظر قضائی مورد اثر نیست و بالاخره در هر محاکمه و قضاوتی چه در موقع وصول اعتراضات

شکایت و چه بعد از رسیدگی بآن اعتراضات قضاوت بعمل بیاید احد متداعبین یا متحا کمین را میشود حکم قرار داد. این مسلم است که دو نفر که با هم دعوی دارند یک نفر از آنها نمیتواند قاضی بشود و در علیه یک نفر دیگر حکم بدهد. اینها بنظر بنده يك چیز های مسلم پیش یا افتاده است بنا بر این شش نفر از اعضاء انجمن نظارت بدون اعتراض باقی مانده است و از این شش نفر سه نفر باقی بماند رأی داده اند و سه نفر هم با آقای مؤید الاسلام و آقای درگاهی حالا انصافاً چطور میشود رأی داد؟ یعنی حتماً در صورتیکه شخص مسؤولیت وجدانی را هم قبول کند چطور میتوان رأی داد باینکه ایندو نفر وکیل هستند و آن دو نفر نیستند؟ این وضع انجمن نظارت مرکزی آنجا.

در یکی از حوزه های فرعیه کرمان که موسوم است بکویر و شاید دویمت سیصد آبادی دارد و از حدود شمل غربی کرمان شروع میشود تا سبزه فرسخ که یکحوزه فرعیه است و در جدول قانون انتخابات هم جزء حوزه های فرعیه اسم برده شده و در آنجا هم انتخابات بجزایر افتاده و تمام شده وقتی که شروع کرده اند بقرائت آراء دیده اند آنطوری که دلشان میخواهد آراء بیرون نمی آید یعنی باسم آقای مؤید الاسلام و کسان دیگر است آنوقت يك قسمت از آراء را خوانده اند و یکقسمت دیگر را همین آقای حاج میرزا مرتضی بوسیله نوکرشان در همان کاروانسرای که انجمن بوده صندوقاً برتاب می کنند بیرون و بزن هم حاضر بوده میرزاند و آتش میزنند.....

مخبر -- اینطور نیست

یاسائی -- همینطور است. دوسیه اینطور است. پنج هزار رأی رقیب خودشان را هم میزنند این انتخابات نیست! آخر صورت ظاهر را باید محفوظ کرد! بعد هم سه چهار نفر از رفقای خودشان می نشینند و يك صورت ظاهری برایش درست میکنند و اگر این آراء را باطل نکرده بودند با وجود اینکه آراء خبیص و تکاب و سیرج و گوک

که باطل است و ضمیمه شده است باز هم این آقایان اکثریت نداشتند، ولی ناچار میشوند يك همچو اقدامی بکنند راه حلی که درست کرده اند برای اعدام آراء کویز این بوده است که آن معلم بانظر انتخابات . نمیدانم . هر اصطلاحی هست . که می گویند : نماینده انجمن مرکزی محل رفته و انجمن را تشکیل داده ولی حاکم نماینده نداشته در صورتیکه همان شخص از طرف نایب الحکومه نماینده بوده ولی چون نایب الحکومه بواسطه قرب جوار بشهر در شهر بوده آقایان باعتراف اینکه نایب الحکومه خودش نبوده است این انتخابات را اعدام کرده اند . در صورتیکه بفرض اینطور بوده است باید بحکم وزارت داخله این مسئله را ترمیم بکنند و بالاخره بی جهت يك بلوکی را نمیشود محروم کرد . زیرا اعتراض که متوجه باهالی نبوده است آنها اداء وظیفه کرده اند و در موقعی که اعلان کرده اند آمده اند و رای خودشان را داده اند . و بفرض اگر يك قصوری هم از طرف حکومت شده است (در صورتیکه نشده و نماینده حکومت همان نماینده انجمن بوده و اعتراض هم وارد نبوده است) معذک ممکن بود ترمیم بکنند ولی نکرده اند چون دیده اند بصرفه شان تمام نمیشود . و برعکس در باغین که یکی از حوزه های فرعیه انتخابات است با همان اعتراض خودشان آراء خوانده میشود ولی آراء کویز باطل میشود . چون در آنجا دو هزار رای بر علیه شان بوده ولی در باغین مقداری رای بر له شان بوده است . دیگر از اعتراضات اساسی که با انتخابات کرمان وارد است راجع با انتخابات قسمت شرقی خبیص و تکاب و سیرج و کوک است و در این چهار نقطه هم گویا در جدول قانون انتخابات قید شده است که باید حوزه های فرعیه تشکیل بشود . انجمن نظارت مرکزی انجمن فرعی برای آنجا معین میکنند و شروع میکنند به توزیع تعرفه و اخذ رای . در وسط جریان امر با يك فشارهایی نایب الحکومه آنجا را عوض کرده و نایب الحکومه را بمیل خودشان انتخاب کرده اند و هرچه وزارت داخله گفته حالا موقع

تغییر نایب الحکومه نیست گوش نداده اند و بالاخره مدبرالملک را انتخاب می کنند بسمت نیابت حکومت . و ایشان هم مطابق مراسله که در اینجا هست بيك نفر مأمور امنیه نوشته اند که چون انتخابات این نقطه باطل است لذا شما انتخاباتش را توقیف کنید تا بعد من دستور بدهم اینجا را آقایان داشته باشند که خود نایب الحکومه بطلان انتخابات را تصدیق کرده و قبل از اینکه حکم وزارت داخله راجع بتوقیف کلیه انتخابات کرمان برسد انتخابات را توقیف نموده است . برای اینکه در تاریخ شانزدهم اردی بهشت این تلگراف شده و در نوزدهم اردی بهشت رسیده . ولی در شانزدهم انتخابات را توقیف کرده اند و در ابرت شعبه هم بکطوری نوشته شده که تاریخ را پس و پیش کرده اند که آن قضیه درست در بیاید یعنی فاصله اش درست باشد . در صورتیکه تلگراف در نوزدهم رسیده ولی چون اینقدرها مؤثر در قضیه نیست از این جهت بنده از این قسمت صرف نظر میکنم . خلاصه مدبرالملک حکم عدم صحت انتخابات خبیص و آن نقاط را میدهد و بعد از اینکه توقیف انتخابات رفع میشود ایشان میبایستی آن سه چهار روزی که باقی مانده است در خبیص و تکاب و آنجاها توزیع تعرفه بکنند و اخذ رأی بعمل بیاید و انتخابات خاتمه پیدا کند . ولی نظار فرعی خبیص و تکاب و سیرج و کوک وقتی می بینند مدبرالملک تشریف آوردند بایک صلاحی و بنایشان بر این است که آراء را بهم بزنند می آیند بشهر کرمان و به ایالت و انجمن مرکزی متظلم میشوند که ما اصلاً تأمین جانی نداریم . يك فکری بکنید آقای والی بکنفر نماینده معین میکند و از طرف انجمن هم بکنفر را نماینده قرار میدهند که گلستانی بوده و بانظار میروند تا انتخاباتی را که دچار توقیف شده از توقیف خارج و تمام بکنند . حالا این آقایان یعنی نظار فرعی دارند از کرمان میروند بخبیص با گلستانی و با دستخط ایالت که انتخابات توقیف شده را بجزریان بیندازند و به نایب الحکومه هم دستور داده اند که انتخابات را بجزریان نینداز و مراقبت بکن . اینها را

وسط راه می گذاریم میرویم به بنیم مدبر الملک چه کرده . آقای مدبر الملک وقتی این خبر را میشنوند یکعده دیگر را بجای آن نظاری که انجمن معین کرده به میل خودشان انتخاب میکنند و در آن نصف روزی که باقی مانده توزیع تعرفه و اخذ رای میکنند و انتخابات را خاتمه و آراء را قرائت میکنند . در صورتیکه این نه نفر اعضاء انجمن نظار از معتمدین محل بوده اند و نه نفری بوده اند که خود انجمن مرکزی معین کرده نه اشخاصی که از بین سی و شش نفر معین شده باشند و اقلاً نه نفر عضو علی البدل داشته باشند که مطابق قانون بگوئیم چون اینها رفته بوده اند شهر نایب الحکومه باید یکعده را از اعضاء علی البدل انتخاب نموده و انتخابات را خاتمه بدهد . این طور نبوده يك نه نفری از معتمدین محل از طرف انجمن شهر کرمان معین شده بودند و در راه بوده اند و آقای نایب الحکومه بجای آنها یکعده دیگری را دعوت میکند و انتخابات را تکمیل میکند و همان انتخاباتی را که خود شان اعتراض کرده بوده اند باطل است آرائش را فوری قرائت میکنند در وسط راه که نظار میرفته اند خبر میرسد که انتخابات تمام شد و آراء هم قرائت شد و فلان کس هم وکیل شد . اینها متحیر میمانند و بر میگرددند به شهر خلاصه اینکه بطلان انتخابات خبیص و تکاب و سیرج مسلم است و اعضاء انجمن مرکزی بموجب تلگرافی که بمرکز کرده اند خود آنها بطلان انتخابات آنجا را اعضاء و تصدیق کرده اند . خود آقای حاج میرزا مرتضی هم متعرض بوده اند . و تلگرافی هم که آقای میرزا عبدالحسین بخاکپای مبارک همیونی مخازنه کرده اند اشعار داشته اند و در آنجا هم اعتراض کرده و گفته اند این انتخابات باطل است یعنی طرفین قضیه انتخابات را باطل دانسته اند . در اینصورت بنده نمی دانم چه طور یکمرتبه انتخابات آنجا صحیح شد نایب الحکومه هم که با آنجا رفته بوده انتخابات را باطل شمرد ولی بعد که دو باره بر گشته نمیدانم بچه مقتضای صحیح دانسته اند در قسمت آراء کویز

هم آمده اند و راه حلی پیدا کرده اند و گفته اند چون نزدیک شهر است اهالی آنجا بیایند در شهر تعرفه بگیرند و رای بدهند در صورتیکه آراء اهالی کویز را اعدام کرده اند و وقتی که توزیع تعرفه و اخذ آراء در شهر کرمان تمام شده آنوقت گفته اند باید بیایند در شهر تعرفه بگیرند و این تناقض خیلی غریبی است !! و بعد گفته اند چون نظر این بود که اهالی کویز بیایند در شهر تعرفه بگیرند و نیامده اند تفاوتی نمی کند در صورتیکه مطابق صریح قانون خود کویز حوزه فرعیه داشته است و کار خودشان را هم کرده بودند در هر حال بطلان انتخابات تکاب و خبیص و سیرج و کوک و اینکه انجمن نظارت حق نداشته آراء کویز را اعلام کند همه اینها مسلم است . وقتی که اینها برای ما مسلم شد و دانستیم که آراء خبیص و تکاب و آنجاها باطل است و طرفین قضیه هم تصدیق کرده اند آنوقت نمایندگی آقایان حاج میرزا مرتضی و آقا میرزا عبد الحسین مشکوک است و بالاخره نمیتوان این آقایان را نماینده حقیقی کرمان دانست . بنده جریانات خصوصی قضیه را در اینجا عرض نکردم و فشارهایی که در کار بوده که مسئله چه بوده و چه شده است اینها را تذکر نمیدهم ولی آنچه از ظاهر دوسیه استنباط کرده ام این بود که بعرض آقایان رساندم و شاید بعضی چیزها را هم فراموش کردم بعرض رسانم که از جمله مسئله سر آسیاب شش است که یکی از حوزه های فرعیه آنجا بوده است و میبایستی توزیع تعرفه و اخذ آراء بوسیله انجمن فرعی در آن محل بعمل آید . نمیدانم بچه جهة بوده اطمینان نداشته اند . یا بعنوان اینکه با سواد در آنجا نبوده بهر حال هیئت نظار را خودشان انتخاب کرده اند ، در صورتیکه آقا شیخ فرج الله در آنجا بوده است و آنچه که بنده تحقیق کردم متجاوز از بیست نفر با سواد در آنجا بوده است . بهر حال آقا شیخ فرج الله خودتان که آنجا بود و ممکن بود ایشان عضو انجمن باشند . اینکار را هم نکرده اند حالا بنده کاری باین کارها ندارم و چون این مسائل اینقدرها

اهمیت ندارد بنده وارد نمی‌شوم ولی چیزی که مسلم است بطلان انتخابات خبیص و تکاب و سرچ است و اینکه حق نداشته اند آراء کور را اعدام کنند وقتی که این دوقضیه را ماحرز دانستیم و در نظر گرفتیم آنوقت خیال می‌کنم و جسداناً نمی‌توانیم باین انتخابات رای بدهیم. حالا بنده نمی‌گویم که دیگری وکیل است ولی عرض می‌کنم مسئله مشکوک است بین این دو نفر آقایان و آن دو نفر دیگر. سه نفر اعتبار نامه باین دو نفر آقایان داده اند و سه نفر هم بآن دو نفر داده اند. حالا قضاوتی که آقایان نمایندگان باید در این مسئله بکنند البته باید بدون نظر خصوصی و حب و بغض شخصی باشد و همینطور هم هست. بنده نمیدانم آقایان در اینجا یکقدری انصاف و مروت را بکار برند و قدری هم خدا و مرگ و این جور چیزها را در نظر بگیریم و با در نظر گرفتن تمام این مراتب آنوقت قضاوت کنیم

بامسئد (مخبر شعبه) - در قسمت تقاضای قضاوت بیطرفانه خیلی از آقای یاسائی ممنونم که عوض بنده اظهاراتی فرمودند و گفتند که هیچ غرضی در کار نیست و قضاوت را بیطرفانه باید کرد و فرمودند هیچ قصدی در بین نیست و اصطلاحاً با هم نداریم بنده هم عرض می‌کنم خدا را بشهادت می‌طلبم و بمقدسات الهی که نه هیچ قصد و غرضی دارم و نه با آقای حاج میرزا مرتضی یک سوابق حسنه یا ثباتی داریم. این دوسیه آمد بشعبه دوم و گمان می‌کنم بقدری در این دوسیه دقت شده که چنین دقتی کمتر سابقه داشته است. ریاست شعبه با آقای پیرتیا بوده سایر آقایان هم بودند و هیچکدام هم با آقای حاج میرزا مرتضی (یعنی اغلب) اینقدرها سوابقی نداشتند.

سی و پنج جلسه در این دوسیه رسیدگی شد. دوسیه را رسیدیم اعتراضات را هم یک طرف کردیم لوایح بر له و بر علیه و اعتراض و دفاع هر کدام را هم یک طرف کردیم بعد از آن کتابچه سبزه را متن قرار دادیم و مطرح کردیم و شروع نمودیم با اعتراضات کتابچه سبز و آقای

حاج میرزا مرتضی را هم مکلف کردیم که جواب اعتراضات را بدهند و در نتیجه سی و پنج جلسه بین دوسیه رسیدگی کردیم و بقدری دقت کردیم که بالاخره بعضی اعضاء شعبه بفریاد آمدند که چه خبر است و دیگر رسیدگی را کافی دانستند و رأی گرفتند و تصویب شد. ما مکلف بغیب نیستیم یک شعبه مجلس شورای ملی بایک محکمه قضاوت مکلف با حراز غیب نیست. غیب را فقط خدا میداند خوب حالا تکلیف چیست؟

تکلیف این است که حرفهای طرفین را بشنوم و باسناد مراجعه کنیم و کار را ختم کنیم این هم دو چیز لازم دارد یکی بیغرضی و دیگری دقت بعد هر چه انسان بعقلش رسید باید بگوید و رأی را اظهار کند

در قسمت دقت ما سی و پنج جلسه در این کار دقت و رسیدگی کردیم و اگر آقای یاسائی هم دو جلسه قبول زحمت و صرف وقت میفرمودند و بشعبه تشریف می‌آوردند و مسئله را بایک نظر نگاه نمی‌کردند و با دو چشم نگاه میفرمودند یعنی حرفهای آن طرف را هم میشنیدند البته باین شدت مخالفت نمیفرمودند. بنده تصادفاً امروز که وارد شعبه دوم شدم دیدم تمام نظر این است که قسمت اعتراضات را بگویند و بایشان عرض نکردم که آخر طرف دیگر هم یک حرفهایی دارد و بالاخره قضیه دو طرف دارد معهذا با خود فکر کردم که عرض نکنم و بگذارم تمام اعتراضات در اینجا گفته شود و در حضور آقایان ابرادات و اظهاراتی اظهار بشود تا آقایان تصور نفرمایند خدای نا کرده یک ملاحظه شخصی یا غرضی در کار بوده است. بنده باز هم تاکیداً تقاضا می‌کنم که آقایان قضاوت عادلانه بفرمایند حالا شروع می‌کنم باینکه آنچه را می‌خواهم بگویم که آقای یاسائی فرمودند جواب عرض کنم. لازم است بدو عرض کنم که قضیه اینطور که فرمودند نیست و خود بنده هم عین این احساسات را بلکه شدیدتر داشتم و مخالف بودم و وقتی هم که میخواستند باین دوسیه رأی بگیرند با اینکه بنده مخبر بودم و مکلف بحفظ بی طرفی و دفاع از رأی

شعبه بودم معذات آن روز را مخالفت کردم ولی بعد چون یک اسنادی دیدم چنانکه الان هم در محضر آقایان ممکن است ارائه دهم قانع شدم و دانستم که انتخابات کرمان صحیح بوده است یک انتخاباتی بوده ما بین دو پارتی که خیلی بشدت شروع شده است و این دو قسمت هم در همه جا همعنان میرفته اند. گاهی ایندسته و گاهی در بعضی جاها آندسته مغلوب بوده اند مثلاً در راور آن دسته کاملاً غالب بوده اند و اکثریت داشته اند منتی بالاخره ایندسته اکثریت پیدا کرده و غالب شده اند و آن دسته مغلوب شده اند البته مغلوب هزار گونه تشبث می‌کنند ولی تکلیف قانونی چیست این است که کاملاً رسیدگی کنند از هر دو پارتی هم در هیئت نظر بوده اند سه نفر آنطرف بوده اند شش نفر اینطرف. اعضاء علی البدل را نمیدانم و محل حاجت هم نیست. ریاست انجمن برادر آقای مؤید الاسلام است سید گلستانی هم با یکی دیگر آنطرف بوده اند آن وقت پنج نفر دیگر هم با خود آقای حاجی میرزا مرتضی اینطرف بوده اند. اما اینکه میگویند حاجی میرزا مرتضی در باره خودشان رأی داده اند حق قضاوت ندارند و آقای یاسائی میخواهند اکثریت را بهم بزنند معلوم نیست چطور شده است که ایشان حق ندارند در قانون که همچو چیزی نیست بعلاوه خیلی هم سوابق دارد. اغلب این آقایان که انتخاب شده اند که در محل بوده اند جزء هیئت نظر بوده اند. آقای امام جمعه شیراز خودشان رئیس انجمن نظارت مرکزی بوده اند انتخاب هم شده اند. آقای میرمستاز نایب رئیس انجمن نظارت مشهد بوده اند همانطور که برای دیگران امضا داده اند برای خودشان هم امضاء داده اند. فرق ندارد. باید جریان را دید اما آقای مظفری ایشان عضو مالیه بوده اند و معلق شده اند قانون انتخابات هم میگوید معروف بامانت و صلاحیت باشد اما باید این معروف بامانت و صلاحیت را دید کجا است الان مظفری پیش من هم معروف بامانت نیست زیرا از بس بر علیه اش پرو پا کاند شده است و از هر کس هم من شنیده ام می‌گویند انجمن نظارت

خوب نبوده است برای اینکه مظفری عضو بوده است اما باید دید که ابتدا در محل هم این تأثیر بوده است یا در نتیجه کتابچه سبز اینها القادات و تبلیغات شده که حالا بنظر ما هم لولو می‌آید. آیا آنوقت هم که مظفری را دعوت کردند برای عضویت در انجمن نظارت هم آنوقت هم همین تأثیرات بوده است؟ باید محیط را سنجدید و در قضاوت‌های ادبی و فلسفی همه جا این شرط هست که باید محیط آن روزی را سنجدید و دید با آن محیط این شخص چطور بوده است. هیچ دلیلی نداریم بر اینکه همین عده معروفیت بامانت و صلاحیت که الان پیش آقای یاسائی و بعضی دیگر از آقایان هست وقتی که ایشان را بعضی دعوت کرده اند اینطور بوده. دیگر اینکه ببانجام در این عملیات باز است و خیلی اشخاص معلق میشوند. در هر منتهی سی سی و پنج فقره محاکمه در محاکمات وزارت مالیه هست اشخاص متهم می‌شوند معلق میشوند و بعد هم تبرئه میشوند. میزان در همه جا دوسیه است و سند محکومیت. مظفری در هیچ جا محکوم نشده و سند محکومیت هم در دوسیه اش نیست حتی در محاکمات وزارت مالیه هم چنانکه در راپرت هم عرض کرده بودم مالیه کرمان در جواب انجمن نظارت و ایات می‌نویسد که ما رجوع کردیم بظهران و اسناد خودمان را فرستاده ایم مادامیکه محاکمات مالیه ظهران رأی اظهار نکنند ما نقیاً و اثباتاً نمیتوانیم درباره او رأی بدهیم برادر آقای مؤید الاسلام رئیس انجمن نظارت «محمد خادم ملت» که در تلگرافانی هم که بوزارت داخله می‌کنند امضا «محمد خادم ملت» است تلگراف می‌کنند بوزارت داخله که آقای مظفری مختلس است، چه است، چه است و نباید عضو انجمن باشد وزارت داخله هم تلگراف می‌کنند «بنا بر این او را خارج کنید» آنوقت رئیس انجمن نظارت برادر مؤید الاسلام در جواب وزارت داخله تلگراف می‌کنند که هیچ مانعی ندارد. اینطور نیست وجودش هم لازم است و باید هم باشد و محلاً هیچ اشکالی ندارد این حرفها تمامش در دوسیه هست با تمام این مراتب

مختلاس صرف . معروف بعدم صلاحیت . چنانکه الان اینجا پیش بنده و آقای باسائی هست بر فرض اینطورها باشد و رای او را هم اسقاط کنیم نازه باز هم اکثریت هست . مگر در مجلس شورای ملی تمام مقدرات مملکت بر آئی نصف بعلاوه يك حل نمیشود؟ تمام مقامات شوروی این طور است . رأی مظفری را هم که اسقاط کنیم پنج نفر اینطرف میباید چهار نفر آنطرف . اما مسئله آقای مختار الملک . بنده در کیفیت اخلاق محیطی هیچکس داخل نمیشوم که این تندبند و زردید (از خیالی صالحشان و جنگشان) ایشان هم کاندیدا بوده اند و چه بنده و بست ها کرده اند و تمام شکایتهائی هم که از نایب الحکومه بوده راجع موسی خان یسر ایشان بوده در اینها داخل نمیشوم ، صاف و ساده عرض میکنم ، بنده خود مخالف این انتخابات بودم ، آقایانیکه در شعبه دو بودند هم حاضرند و شاهدند که بنده مخالف بودم ولی بعد اسنادی دیدم که قانع شدم نه با این طرف قصدی داشتم و نه با آنطرف . آقای مختار الملک چه کرده هیاهو که آراء را عوض کرده و چه کرده و از یکطرف هم رنجیده خاطر که از کاندیدای خودش در شهر کرمان عقب مانده و از آنطرف در بم هم شاید آراء یا رجائی نداشته اند بعد هم هزار فقره از او اظهار رضایت شده و آمده است اعتبار نامه را امضا کرده است خوب ممکن است آدم اشتباه کند بعد زردید رای پیدا کند . انسان اشتباه میکند بعد که دقت میکند متنبه میشود . این منافات ندارد . و این قضاوتی هم که آقا اظهار فرمودند تشبیه غیر از عینیت و حقیقت است ما میگوئیم اینجا محکمه قضاوت است واقعاً اینجا که محکمه عدلیه نیست اینجا که اصول محاکمات درس جاری نیست . تشبیه میکنیم نه اینکه واقعاً طبق النعل بالنعل بالشعبه محکمه استیناف یا مجلس محکمه تمیز باشد ما تشبیه میکنیم مشبه به دریک مشترکاتی باید مثل مشبه خودش باشد ولی عینیت که ندارد که بگوئیم فلان چون يك مرتبه زردید کرده پس باید رای او را بکلی باطل دانست . خیر . بنده هم زردید کردم

و رای هم ندادم ولی بعد آن اسنادیکه ناچارم در مجلس عرض بکنم دیدم و موافقت کردم . در انتخاب شهر که البته حرفی ندارند در راور هم که آقایان اکثریت دارند و حرفی ندارند آمدم سر جائی که ایشان درس حرف دارند (کور و سراسیاب شش) حالا کور را عرض کنم . کور نماینده هائی معین کردند و بالاخره بعد از جان کندنهائی پول بایشان رسیده است . مالیه پول نمیداده است بالاخره انجمن و وزارت داخله پیشنهاد کردند . انجمن نظار متصل بانالت فشار آورده اند . ابالت میگوید من تلگراف کردم بالاخره پول دادند . بسیار خوب . آنوقت بدون رعایت هیچ گونه مقدمات قانونی يك انجمنی تشکیل داده و شروع کرده اند با انتخابات . بلافاصله شکایت شروع شده است در نتیجه شکایات نایب الحکومه رفته است پیش حکومت و اظهار کرده است که من بکلی بی اطلاع هستم و هیچ وجه در تحت نظر من و باطلاع من این هیئت نظار دعوت نشده اند . مردم هم فشار آورده اند که این چه جور نماینده ایست تدلیس میکنند . زور میکنند . دسیسه میکنند . و بالاخره دو نفر ناظر فرستاده اند . یعنی انجمن نظارت دو نفر از طرف خودشان فرستاده اند آنجا و آنها رفته اند محلاً تحقیق کرده اند و دیده اند که بکلی برخلاف روبره قانونی اقدام کرده اند این است که آراء را جمع کرده اند و آورده اند و بالاخره در جلساتی که صورت آنها تمام محفوظ است و در آن جلسات تمام نظار بوده اند رئیس نامنشی و دیگران همه بوده اند مبادلات نظر شده آنوقت با حضور والی وقت قرار داده اند که این انتخابات باطل است و چون نزدیک شهر بوده اعلان کرده اند که هر که میخواهد بیاید بشهر و رای بدهد و يك قسمت هم آمده اند رای داده اند . اما اینکه این کار بعد از انتخابات بوده است یعنی بکلی انتخابات شهر تمام شده و بعد مردم آمده اند رای داده اند و آنوقت آراء کور را ضمیمه کرده اند این در دوسیه ایست و هیچ وجه بنده ندیده ام و خیلی هم ممنون میشوم که برای علم

خودم بمن نشان بدهند . خیر این مال قبل بوده و در حضور والی وقت بوده (همین خواجوی که الان هم والی است) خوب . اگر قضیه را منعکساً فرض کنیم (عکس قضیه بقول منطقیها) یعنی کور بدون حکومت انتخاباتش تمام میشد و انجمن نظارت هم قبول میکرد و اکثریت را فرض کنید طرف میبرد آنوقت يك مخالفی بر میخواست و میگفت آقایان يك انتخاباتی که هیچ مراسم قانونی درس بعمل نیامده حکومت نبوده نظارت نداشته فقط یک نفر مفتش رفته آیا این انتخابات را میشود قبول کرد و صحیح دانست ؟ آن وقت واقعا شماها قضاوت عادلانه نمیکنید که این انتخاباتی که واقعاً این طور است یعنی چندین اصل قانونیش باطل است . صحیح نیست پس بنا بر این چون دیده اند اگر بخواهند انتخابات آنجا را تجدید کنند باز يك کشمکشهای دیگری است و مالیه ورقه درخواست میخواهد و قضیه نظار و انتخابات آنجا زندگی مخلوطی پیدا میکند در این صورت بطلانش رأی داده اند و اعلان کرده اند که بیائید در شهر رأی بدهید . البته اگر عکس قضیه بود این ابرادها تمام وارد بود . سراسیاب شش هم عیناً همین مسئله است . میگفتند باید نه تقریباً سواد باشند بلکه سی و شش نفر باید باسواد باشند زیرا از آن میانه هیچده نفر که عضو علی الدل هم جزو همین هیچده نفر است باید انتخاب شود . آنوقت رفته اند آنجا باسواد پیدا نشده اگر بدون شخص باسواد آن معلم انتخابات . انتخابات را شروع میکرد هزار ایراد وارد نبود؟ و نمیگفتند هیچ کس نبوده که بفهمد . تو خودت رأی نوشته و ریخته بصدوق؟ حرفشان هم صحیح و منطقی بود . قضیه سالبه الموضوع بوده است باسواد نبوده است که رأی بنویسد و نظارت کند . شیخ عبدالرحمن هم که ایشان گفتند بنده نمیدانم اهل محل بوده یا نبوده شرایطی دارد او هم بکنفر بوده است بکنفر که کافی نیست ! باغین چیزی ندارد و طرفین اعتراض زیادی ندارند و در دوسیه هم اعتراض زیادی درس نیست . اما البته در اوایل يك

انتخابی يك تگرانی هائی از طرفین هست و شاید يك شکایت هائی میشود ولی اینکه در دوسیه اعتراض باشد خیر نیست . در خبیص و پشت کوه حرفهائی هست ولی در بغین چیزی نیست . بنده چون در دوسیه چیزی ندیده بوده در راپرت خودم هم عیناً نوشتم که سند مثبتی در اعتراض بر انتخابات باغین در دوسیه موجود نیست خود ایشان هم فرمودند اما انتخابات پشت کوه یعنی خبیص و تکاب و سیرج و گوک : چیزی که بنده را مردد کرده بود و رأی نمیدادم همین بود . همین انتخاب و شبهه تمویض آراء بنده را مردد کرده بود که رأی نمیدادم . اما مسئله تعبیر نایب الحکومه : نایب الحکومه قبل از جریان انتخابات مدیر الملک بوده است (که چون اسمش را نمیدانم لقبش را اجباراً عرض میکنم) انتخابات در جریان بوده که نایب الحکومه معزول شده و موسی خان یسر مختار الملک را میفرستند بنایب الحکومه گئی و این مسئله در انجمن نظار . در اهالی . در شهر . سوء اثری می کند و فریاد بلند میشود که در حین جریان انتخابات معزول کردن نایب الحکومه برای چیست؟ و این دلیل است برای اینکه يك نظریاتی در کار است . از خود همین حوزه پشتکوه فشار میباید بانجمن نظارت چنانکه در دفتر صورت جلسات هم هست هر روز می آید در این مسئله مذاکره میکنند و يك مراسله بجا کم مینویسد که چه صورت دارد که نایب الحکومه را در حین جریان عمل تغییر داده اند؟ و این مسئله سوء اثر کرده . اطمینان را سلب میکنند . و مراسلاتی هم (که بعضی از آنها مینوشت هست و بعضی عین صورت مذاکرات را نوشته اند) و همین طور شکایات بوزارت داخله میشود والی وقت هم به وزارت داخله شکایت میکنند که اینطور فشار آورده اند و قضیه اینطور است وزارت داخله هم حکم می کند و جریان عادی را عود داده و تجدید کرده اند یعنی نایب الحکومه ای را که در حین جریان معزول کرده اند مرتبه برده اند بسر جایش گذاشته اند . این بدیهی است وقتی شکایت میشود از اینکه چرا نایب الحکومه را معزول کرده اند البته اطمینان باو نبوده است بی سابقه هم بوده است . هیچ سابقه

استخدام وزارت داخله را هم نداشته است بنا بر این معلوم میشود که بواسطه این نایب الحکومه حس دسیسه در انتخابات کرده اند که این همه فشار آورده اند. پس مدیر المملک که آنجا میرود ناچار است آن جریان را که او داشته قطع کند یعنی آن جریانی که موسی خانب پسر مختار المملک بکار برده قطع کرده و آن حال عادی اولی را شروع کند این است که گفتند صبر بکنید نامن تحقیق بکنم و دومرتبه انتخابات را بجزایان بیندازید. در این بین انتخابات شهر کرمان دچار وقفه میشود. یعنی در نتیجه اعتراضات و شکایات و تشکلات بی دربی دستجات که در شهر میشود از وزارت داخله حکم بتوقیف انتخابات می آید و بقول وزارت داخله این وقفه شش ماه طول میکشد. بعد از آن حکم شروع بتجدید انتخابات و آن جریان اولی میرسد. و همه جا ابلاغ میکنند. بجنیص هم ابلاغ می کنند. مدیر المملک هم نظار آنجا را دعوت کرده و آراء را خوانده اند. حالا نظار آمده اند در شهر و گفته اند ما امنیت جانی نداریم و ما را میکشند و صندوق را گرفته اند اینها قضایائی است که قدری محل دقت است. آن کسی که امنیت جانی ندارد آقا محمود برادر کوچک آقای مؤید الاسلام است. چنانکه یکی دو شکایت که رسیده هیئت نظار زیر آن نوشته اند توسط آقا محمود برادر کوچک آقای مؤید الاسلام و باقی نظار سر جایشان بوده اند. مدیر المملک هم بعد از آن حکم شروع بتجدید انتخابات کرده و همان جریان را بکار انداخته. حالا بچه دلیل بنده در این قسمت خود داری داشتم؟ بدیهی است. حالا اگر بنده خود داری بکنم بر خلاف وظیفه خودم کرده ام که خاطر نمایندگان را از جریان حقیقی مسبوق نکرده ام تا بتوانند قضاوت حقیقی فرمایند. اوراقی که در دوسیه هست ما همه را علیحده کرده ایم. باغبان را علیحده - کویز را علیحده - شهر را علیحده. اعتراضات تمام حاضر است که نوشته اند منشی انجمن و رئیس و نایب رئیس انجمن نظار و خیلی خیلی

اسامی هم هست که تمام مینویسند صندوق را از ما گرفتند چه کردند. چه کردند و ما قطع داریم که آراء حوزه پشت کوه عوض شده این بدیهی است که این مسئله ابتداء آدم را نکان میدهد. بعد از رای دادن شعبه همین آقای حاج میرزا مرتضی به بنده رسید و گفت چه میکنید؟ همین طور لری گفتم والله بنده نمیدانم چه باید بکنم؟ برای اینکه من مخالف بوده ام و بر خلاف عقیده ام نمیتوانم چیزی بنویسم. و نمیتوانم چیزی بگویم ولی البته يك چیزی خواهم نوشت زیرا وظیفه من نوشتن خبر شعبه و دفع از رای شعبه است. باید اول خبر را قبول نکم ولی حالا که قبول کرده ام ناچارم بوظیفه ام عمل کنم ولی خودم مترازم. گفت برای چه مترازلی؟ گفتم بدلیل این اسناد در پشت کوه آراء عوض شده و باز هم داشتم اسناد را مراجعه میکردم. بعد نگاه کرد و گفت این امهار جعلی است. اسامی همانها هست ولی امهار جعلی است و عین آن امهار نیست بدلیل اینکه آنها بمن و آقا میرزا عبدالحسین اعتبار نامه داده اند گفتم کجا هست اعتبار نامه ها (چون چند تا بسته بود مال حوزه های فرعی و بسته های جوانی بود که ما آنها را باز نکرده بودیم) آنها را باز کردیم و من خیلی ممنون شدم و گفتم رسیدگی کامل میشود. وقتی باز کردیم و اعتبار نامه را نشان دادند دیدیم مهرها همانطور است اما آنها يك قدری قشنگ تر است بنده گفتم همانطور که تو مدعی هستی که اینها جعلی است از کجا معلوم است که آنها جعلی نیست. بنا کرد بقسم خوردن که بحضرت عباس علیه السلام بفلان... گفتم قسم فایده ندارد. قسم که دلیل نمیشود؟ زیرا قسم که یکی از ادله اربعه نیست! دلیل میخواهد. بعد گفتم صورت جلسه دارند؟ گفتند - بلی. گفتم صورت جلسه را بیاورند. صورت جلسه را آوردند. دیدیم بدبختانه تمام مهرهائی که در صورت جلسات بود با مهرهائی که اعتبار نامه آقای حاج میرزا مرتضی داده بودند مطابق است ولی با آنورقه های اعتراض مخالف است این بود که بنده قانع شدم. و حالا هم با کمال جرئت

خدا را بشهدت میطلبم که از روی عقیده و بدون هیچ نظری حرف میزنم. چنانچه در حضور خود آقای حاج میرزا مرتضی هم گفتم مخالفم ولی بعد که اسناد را دیدم موافق شدم و الان هم دفاع میکنم زیرا این اسناد بنده را قانع کرده است و چون دیده آقایان اسناد را آوردند بنده هم خواستم بیاورم ولی دیده چندان مورد احتیاج نیست اسناد را علیحده گذاشته ایم کلید هم در جیب آقای بی سلیمان است اسناد هم توی قفسه است. بسم الله. از اینجا ناشعبه دوم هم چند قدم بدیتر نیست ممکن است بفرمائید و ملاحظه کنید. ایکاش کسیکه دیگران را دعوت میکند بقضاوت عادلانه خودشان همینقدر قبول زحمت میفرمودند که اسناد طرفین را به بینند. البته باید اسناد طرفین و عقیده شعبه را بمجلس اظهار کرد آنوقت جوی قضاوت بیطرفانه است. يك قسمت دیگر را هم آقا فرمودند و خیلی هم مهم هست و آن کودتای انتخابات است که بنده منتظر اظهار آن قسمت بودم و آن قسمت در کتابچه نیست و حالا اگر مخالفی پیدا شد و کودتای انتخابات را تذکر داد آن قسمت را هم بنده عرض میکنم که قضیه از چه قرار بوده است.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. (بعضی میگفتند - کافی نیست)

یاسائی - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات. رئیس - بفرمائید. یاسائی - عرض میشود فرمایشانی آقای نامداد فرمودند که اسناد دوسیه کاملاً تکذیب میکنند و بنده نمنا میکنم از آقایان که اجازه بدهند این اوراق خوانده شود تا معلوم شود که آنچه در این دوسیه است برخلاف آن است که آقا فرمودند. این تقاضای بنده است و علت این هم که میگویم مذاکرات کافی نیست همین است. فقط چند دقیقه مهلت بدهند که این اوراق خوانده بشود تا به بینند قضیه معکوس هست و صورت مجلس آخری و آن

چیز هائیکه بعد تهیه کرده اند جعلی است نه آن ورق که آقا فرمودند. باینجهت بنده مذاکرات را کافی نمیدانم و استدعا میکنم آقایان هم رای بکفایت مذاکرات ندهند و بگذارند يك قضیه بیطرفانه و آزادانه قضاوت شود زیرا بالاخره رای که دست خودتان است ولی قضیه را خوب تشخیص بدهید و خوب مستحضر بشوید که جریان چه بوده است بعد قضاوت کنید و رای بدهید. دیگر منوط برای آقایان است.

رئیس - رای گرفته شود بکفایت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای احتشام زاده قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم دوسیه انتخابات کرمان بکمیسیون تحقیق خاصی که عدد آن شش نفر و از شعب شش گانه انتخاب خواهد شد رجوع شود تا با مطالعات لازمه در این موضوع رای داده شود

رئیس - بفرمائید

احتشامزاده - بطوریکه خاطر آقایان نمایندگان مستحضر است انتخابات کرمان وضع غریبی داشته و حقیقتاً در خارج از مجلس يك چشمهائی نگران و متوجه مجلس شورای ملی هستند و البته در همه مورد مجلس شورای ملی و آقایان نمایندگان باید باین دقت و مطالعات زیادی رای بدهند و همین کار را هم میکنند و مخصوصاً در يك مواقعی که مردم خارج بیشتر مراقبت دارند بنده معتقدم که برای حفظ حیثیات مجلس آقایان باید بیشتر مطالعه و دقت کنند تا قضاوتی که میکنند برخلاف قانون اساسی و عدالت نباشد و مورد انتقاد بعضی عناصر واقع نشود و بطوریکه خبر محترم شعبه هم فرمودند یکمقدار از نوشتجات را شعبه دوم ندیده است

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست.

احتشامزاده - خودشان فرمودند که نوشتجاتی بود

که در جوال بسته بود و مربوط بود بانجمنهای فرعی و ما آنها را ندیده بودیم بعد آقای حاج میرزا مرتضی روزی که شعبه باعتبار نامه ایشان رأی داده بود روز بعد بمن نشان دادند. اینها يك اظهاراتی بود که خود آقای مخبر کردند و این بهترین دلیل است باینکه يك قسمت از دوسیه دیده نشده است

(همهمه نمایندگان)

احتشامزاده -- اجازه فرمائید بنده عرض را عرض کنم! اینها يك مسائلی بود که خود آقای مخبر شعبه اظهار کردند. گفتند نوشتجاتی بود که شعبه ندیده بود و بعد ما مراجعه کردیم و آنها مربوط بود بجزوه های فرعی و بعقیده بنده آن نوشتجات در قضاوت آقایان تأثیر کلی خواهد داشت و برای اینکه يك قضاوتی نکرده باشم که بعد پشیمان بشویم و یا مورد تنقید واقع شویم بنده برای حفظ خیریت مجلس و اینکه يك رأیی میدهیم از روی دقت باشد بنده معتقدم که این کمیسیون تشکیل شود و دقت بیشتری شود تا اگر آقایانیکه نظر موافق دارند و انتخابات آنجا را صحیح میدانند بیشتر دقت کرده باشند و ماها هم که مخالفیم شاید در اثر این دقت و مطالعه موافق بشویم و رفع اشتباه از ما بشود. زیرا علت ندارد اعتبار نامه يك و کیلی باهفتاد رأی تصویب شود بگذارید با صد رأی تصویب شود و اسباب پشیمانی نشود بنده از آقایان استرحام میکنم که موافقت فرمایند يك کمیسیون خاصی از شعب شش گانه انتخاب شود برای آنکه بتمام نوشتجات مربوطه باینکار مخصوصاً بنوشتجاتی که خود آقای مخبر فرمودند دیده نشده رسیدگی شود و از این جهت بود بنده پیشنهاد کردم که يك کمیسیونی مرکب از شش نفر از شعب شش گانه انتخاب شوند و در اینکار بیشتر غور کنند تا يك چشمهائییکه از خارج مراقب این عملیات هستند بمانتقد نکند و ما هم وظیفه وجدانی خود ما را مطابق وظیفه قانونی عمل کرده باشیم دیگر بسته بنظر آقایان است

رئیس -- آقای عراقی

عراقی -- بنده تصور میکنم که پیشنهاد آقای احتشامزاده يك قدری جنبه مخالفت داشت یعنی در توضیحاتی که دادند بیشتر عنوان مخالفت بود. آقای مخبر فرمودند سی و پنج جلسه باینکار رسیدگی شده و در يك شعبه با بودن شخصی مثل آقای مؤمن الملك در اینکار در جلسات زیادی رسیدگی شده و بايك دقت هر چه تمام تر باوراق مخالف و موافق رسیدگی شده دیگر با این ترتیب بنده گمان نمیکم چیزی باقی مانده باشد که محتاج برسیدگی باشد و تصور می کنم محتاج بتشکیل کمیسیون جدید هم نباشد و بنده از آقای احتشام زاده تقاضا میکنم پیشنهاد خودشان را مسترد دارند زیرا دلائل طرفین از مخالف و موافق گفته شد. آقای یاسائی بعنوان مخالفت شرحی اظهار کردند و آقای مخبر هم دفاعاً جواب دادند دیگر بسته برای مجلس و قضاوت خود آقایان است.

رئیس -- رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای احتشامزاده آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند. (چند نفر قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد پیشنهاد آقای یاسائی قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم -- خبر شعبه مجدداً بشعبه برگردد و ثانیاً در آن تجدید نظر شود.

رئیس -- آقای یاسائی --

یاسائی -- فرمودند اعضاء شعبه کاملاً بدوسیه رسیدگی کرده اند -- بسیار خوب. بنده شخصاً به قضاوت آقای مؤمن الملك معتقدم و اگر ایشان تصدیق فرمایند که این انتخابات صحیح بوده حاضر همین الان رای بدهم -- ایشان رئیس شعبه بوده اند و در رأی آن هم با قید اینکه باین ترتیب به مجلس رأی بدهید امضاء کرده اند و بنده هر چه نگاه کردم ندیدم که آقای مؤمن الملك صریحاً

تصدیق کرده باشند -- در هر حال بنده باین کار کاری ندارم يك اظهاراتی آقای بامداد کردند که لازم میدانم که ایشان را مراجعه بدهم بهمان اوراقی که فرمودند دیده نشده -- و با آن حس آزادیخواهی که بنده در ایشان سراغ دارم و با آن جبهه نغرضی که نشان دادند گمان میکنم پس از مراجعه بآن اسناد بهمان عقیده اولی خود برگردند -- چون آن دلیلی که ایشان دیده اند بنده ندیده ام معلوم میشود ایشان در بدو امر مخالف شدید بوده اند بعد موافق شده اند ولی آن چیزهایی که فرمودند از دوسیه بیرون میآید بنده گمان نمیکم يك چیزهای خوبی بیرون بیاید بنده عرض میکنم آراء کویز را اعدام کردند و گفتند مردم باید بیایند شهر رای بدهند و این در موقعی بوده که آراء شهر کرمان هم خاتمه پیدا کرده -- در مرداد ماه آراء خاتمه پیدا کرده و در شهریور ماه گفته اند بیایند رای بدهند -- دیگر مردم چطور و چه وقت بیایند رای بدهند؟! میفرمایند راجع ببقای حوزه ها اعتراضی رسیده است در صورتیکه ...

آقا زاده خراسانی -- بنده اخطار دارم -- ماده ۶۳ را تذکر میدهم.

رئیس -- ماده ۶۳ شامل اینجا نیست

آقا زاده خراسانی -- چرا راجع بهمین اجابت اختصار در مذاکرات است

رئیس -- راجع باینجا نیست

فاطمی -- راجع بهمین جا است

رئیس -- ماده ۶۳ را بخوانید تا مسبوق شوید (خطاب باقاي یاسائی) بفرمائید

یاسائی -- راجع بمدير الملك آقای بامداد اظهار کردند که والی کرمان بوزارت داخله نوشته که این شخص نایب الحکومه سابق بوده است چه بوده است در صورتی که والی هیچ وقت يك چنین تلگرافی نکرده است و

رفعه الدوله رفیق خودشان رأی برت داده اند اینکه فرمودند نظار فرعی خبیض اعتبار نامه آقای حاج میرزا مرتضی داده اند در اینجا هیچ معمول نبوده است که انجمن نظار فرعی اعتبار نامه بکسی بدهد بطور کلی يك اعتراضات و شکایاتی شده بر این که انتخابات تکاب باطل است صورت مجلس هم نداشته اند اهالی تلگرافی بوزارت داخله و رئیس الوزراء می کنند و تقاضا می کنند که رئیس استیناف و مدعی العموم بیایند باینکار رسیدگی کنند اینها همه در دوسیه است و اسناد خارجی نیست بنده هم از خارج عرض نمی کنم و گمان میکنم آقای مخبر اینها را فراموش کردند جواب بدهند راجع آراء کویز در اینجا فرمودند شکایاتی از خارج رسیده بود این شکایت بمعضاء و مهر محمد ابراهیم نام بوده که در شهر کرمان مدرس صرف و نحو بوده است و معروف بوده است چهارده سال است مرده است ولی مهر او را در چهارده سال بعد از فوت بورقه اعتراضیه زده اند برای اینکه آراء آنها را باطل کنند. راجع بمظفری فرمودند که در محل خیلی مقدس و معتمد بوده است ...

رئیس -- این استدلالات راجع به پیشنهاد نیست

یاسائی -- بهرحال بنظر بنده برای مطالعات کاملی که لازم میدانم نمایندگان محترم در این دوسیه بکنند بنده این پیشنهاد را کردم که این دوسیه برگردد بشعبه و دومرتبه شعبه تشکیل شود و بنده هم حاضرم بروم در آنجا توضیحات بدهم و آقایان هم توضیحات بدهند شاید بنده و سایر مخالفین را متقاعد کنند

رئیس -- ماده شصت و سه نظامنامه برای اطلاع معترضین قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده شصت و سه -- اصلاحاتی که در ضمن شور ثانوی پیشنهاد می شود در صورتی که از طرف کمیسیون ارجاع آن خواسته نشود صاحب اصلاح بطور اختصار

آنها توضیح و استدلال میکند

قیام فرمایند -

(عددی قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - پیشنهاد آقای احتشام زاده هم تقریباً در همین زمینه است رای گرفته میشود بجزر شعبه دوم . . .

ضیاء - بنده پیشنهاد تنفس کرده ام .

رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میشود : نیمساعت تنفس داده شود -

بعضی از نمایندگان - رای بگیری

رئیس - رای گرفته میشود بنی پیشنهاد آقایانی که

تصویب میکنند قیام فرمایند -

(عددی قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

(در اینموقع چند نفر از نمایندگان از مجلس خارج شدند)

رئیس - (پس از چند دقیقه تامل) آقای بهار

بهار - تنفس بدهید خود شما هم میتوانید تنفس بدهید

رئیس - بلی عدد کافی نیست چند دقیقه تنفس

داده میشود .

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و فاصله نیمساعت

جدداً تشکیل گردید)

شریعت زاده - در خصوص مالیات

رئیس - عدد برای مذاکره کافی نیست (خطاب

به پیشخدمت) بگوئید آقایان تشریف بیاورند (پس از

چند دقیقه سکوت) آقایان حاضر میشوند . جلسه ختم

میشود - جلسه آتی سه روز پنجشنبه سه ساعت قبل از ظهر

دستور هم بقیه دستور امروز

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

رئیس - کافی است - بهتر این است که موافقین

آزادی بدهند مخالفین اگر مطمئن هستند که رای خواهند

داد ؛ رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای بنائی آقایانیکه

موافقت قیام فرمایند

(معدودی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقای ضیاء

بشرح ذیل خوانده شد

پیشنهاد میشود راپرت شعبه دوم از دستور امروز

خارج شود -

آقایید ابراهیم ضیاء - نظر اینکه راپرت شعبه دوم

چند روز قبل همانطوریکه آقای مخبر قرائت کردند منتشر

شد و در يك قسمت مخصوصاً اشاره شده است که توضیحات

جامع تری لدی اللزوم بعرض نمایندگان محترم میرسد و

امروز هم اشاره فرمودند باینکه يك قسمت از اعتراضاتی که

شده است وارد نیست و اظهار کردند که بعضی امهار جعلی بوده

است ماها عمداً تامل کردیم که اسناد راجع بعدم صحت این

اظهارات را بعد از بیان خودشان بعرض آقایان برسانیم

اسناد هم حاضر است ولی حالا ممکن نشد و آقایان

بکفایت مذاکرات رای دادند حالا نتیجه این پیشنهاد

چه میشود ؟ نتیجه این میشود که آقایان موافقین

همینطور که آقای مخبر فرمودند باینکه چشم نگاه نمیکنند

و با هر دو چشم نگاه خواهند کرد معترضین هم خوب دقت

می کنند تا موافق عقیده و نظر ایشان معلوم شود که

این امهار جعلی است یا نیست و نظر باینکه توهینی وارد

میشود باشخصی که معروف و محترم هستند بنده پیشنهاد

کردم از دستور امروز خارج شود و ممکن است در دستور

جلسه آتی گذارده شود -

رئیس - آقایان -

بیات - رای گرفته شد

رئیس - در ادامه بنی پیشنهاد آقایان موافقین